

توسعه تهدیدات امنیتی از صحرای سینا علیه مصر و اسرائیل و کم و کیف پاسخ به آن

نویسندگان: گابی سیمونی و رام بن برک*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۱

ترجمه: منصور براتی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۵

چکیده

منطقه سینای مصر با جمعیتی بیش از ۳۰۰ هزار نفر و با مساحتی بالغ بر ۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع، چندی است که ناآرام شده و گروه‌های رادیکالی با استفاده از خلاء امنیتی این منطقه، حملاتی را علیه نیروهای مصری و اسرائیلی انجام می‌دهند. مقاله حاضر با بررسی وضعیت جغرافیایی و نیز دغدغه‌های ساکنان این منطقه، غفلت قاهره از امنیت و معیشت این منطقه را برجسته کرده و پس از تحلیل محیط امنیتی منطقه، پیشنهاد می‌کند که دولت مصر و جامعه بین‌المللی باید به‌طور جدی و هم‌زمان به ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان سینا کمک کنند و به خودمختاری عملی ساکنان رادیکال سینا خاتمه دهند.

واژگان کلیدی: صحرای سینا، رادیکالیسم اسلامی، کانال سوئز، القاعده، بادیه‌نشینی، کمپ دیوید

* رییس بخش امور نظامی و استراتژیک موسسه مطالعات امنیت ملی - پژوهشگر دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی

** پژوهشگر اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۴۵-۲۱.

از سال ۲۰۰۴ حملات تروریستی در صحرای سینا و تحت تاثیر رادیکالیسم فزاینده جمعیت بادیه‌نشین این ناحیه، مصر و اسرائیل هر دو با چالش‌های امنیتی بیشتری روبه‌رو شدند. فردای انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر، نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی مستقر در سینا آماج حملات شبه‌نظامیان بیابان‌گرد قرار گرفتند. این وضعیت تاکنون ادامه یافته و حکومت نتوانسته بر این ناحیه به‌طور کارآمدی اعمال اقتدار نماید. در نتیجه این خلاء امنیتی، محیط مستعدی برای رشد شبه‌نظامیان اسلام‌گرا و گشایش یک جبهه جدید در این منطقه پرمنازعه فراهم گردیده است. ازسوی دیگر، معارضان خارجی نیز به صحرای سینا سرازیر شدند تا وضعیت امنیت آن را بیش از پیش متزلزل نموده و پایگاهی عملیاتی برای جنبش جهانی جهادی بنا نهند و بدین ترتیب شبه‌نظامیان بیابان‌گرد نیز به‌طور مستقل و با هماهنگی اسلام‌گرایان وابسته به القاعده به هدف قرار دادن مواضع مصر و اسرائیل در منطقه ادامه داده‌اند. این گروه‌ها با فراگیر شدن هرج‌ومرج متعاقب عزل رییس‌جمهور حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱، وضعیت نیمه‌مستقلی را به‌دست آوردند و به این ترتیب نباید انتظار داشت که داوطلبانه به حکومت مرکزی اجازه دهند تا کنترل خود بر منطقه را اعاده نماید؛ زیرا نگرانند مبدا سیاست‌های سرکوبگرانه دوران مبارک دیگربرار درپیش گرفته شود. در این میان باید افزود اوضاع امنیتی سینا پس از کودتای جولای ۲۰۱۳ که به عزل رییس‌جمهور مرسى از قدرت منجر شد نیز بیش از پیش روبه وخامت نهاده است.

حکومت اسرائیل که بر آرامش و ثبات نسبی ایجاد شده در مرزهای جنوبی‌اش از هنگام عقد معاهده صلح ۱۹۷۹ با مصر نیاز دارد، با پدیدار شدن مجدد تهدید تروریستی در صحرای سینا در وضعیت بغرنجی قرار گرفته است. با وجود افزایش حملات مرزی در ناحیه سینا، اسرائیل از انجام هرگونه عملیات تهاجمی در خاک مصر خودداری کرده تا صلح شکننده موجود را به خطر نیفکند. ترکیب تهدیدات موجود نسبت به اسرائیل در سال‌های اخیر، یعنی حماس و دیگر گروه‌های اسلام‌گرای شبه‌نظامی که اصولاً در غزه مستقرند، از خویشتن‌داری اسرائیل سوءاستفاده کرده و به‌طور فزاینده‌ای از منطقه سینا به‌عنوان پایگاهی عملیاتی برای هدف قرار دادن مواضع اسرائیل بهره گرفته و در حقیقت نوعی همبستگی موثر را میان غزه و سینا پدید آورده‌اند. رشد تهدیدات

تروریستی در شبه‌جزیره سینا، نهادهای نظامی و اطلاعاتی دولت یهود را، به ارزیابی مجدد وضعیت امنیتی اسرائیل و انجام یک رشته اقدامات دفاعی و اتخاذ کردن راهبردهای عملیاتی برای خنثی کردن حملات تروریستی در ناحیه واداشته است.

مقاله حاضر متشکل از پنج بخش می‌باشد: بخش نخست با نگاهی اجمالی به محیط عملیاتی پدید آمده میان طرفین، به بررسی موانع عملیاتی موجود در مصر و اسرائیل که به واسطه معاهده صلح ۱۹۷۹ ایجاد شده می‌پردازد. بخش‌های بعدی به ترتیب به غور در خصوص غفلت حکومت مصر از صحرای سینا از هنگام بازپس گرفتن این ناحیه در سال ۱۹۸۲ و از سوی دیگر تاثیر این سیاست بر روند فزاینده رادیکالیسم در میان جمعیت بدوی سینا می‌پردازد. بخش سوم این مقاله به سوءاستفاده روزافزون سازمان‌های اسلام‌گرا از معضل خلاء امنیت در سینا و نیز تاثیر نفوذ معارضان خارجی بر جمعیت بومی و همچنین بر حکومت‌های مصر و اسرائیل اختصاص یافته است. در بخش چهارم تاثیر وخامت فزاینده شرایط امنیتی ناحیه سینا بر دولت مصر و رژیم اشغالگر اسرائیل مورد مذاقه قرار گرفته است و در نهایت، بخش پایانی نوشتار حاضر در پی پیشنهاد دادن یک رشته سیاست‌های مناسب برای بهبود شرایط این منطقه خطاب به مصر، اسرائیل و جامعه بین‌المللی می‌باشد و بدین ترتیب اقداماتی را به منظور رویارویی مناسب با گسترش تهدید تروریستی در شبه‌جزیره سینا به طرفین پیشنهاد می‌کند. استدلال اصلی نوشتار حاضر دایر بر این نکته می‌باشد که ارتقای امنیت سینا مستلزم اراده جدی حکومت قاهره - همراه با جامعه بین‌المللی - برای مقابله جدی با حملاتی است که در این ناحیه به وقوع می‌پیوندد. این مهم البته نیازمند تدوین یک راهبرد توسعه جامع می‌باشد که به ارتقای وضعیت اجتماعی - اقتصادی ساکنین بیابان‌نشین سینا و همچنین جذب آنها به جمعیت اصلی مصر در دیگر بخش‌های کشور بینجامد.

محیط عملیاتی

منطقه سینا با مساحتی نزدیک به ۶۱ هزار کیلومتر مربع - یعنی تقریباً سه برابر بزرگ‌تر از کل مساحت اسرائیل - در میان اسرائیل، غزه و کانال سوئز واقع شده و در طول تاریخ همواره توسعه‌نیافته‌ترین بخش کشور بوده است. این سرزمین فراموش شده سکونت‌گاه بیش از

۳۰۰ هزار نفر بیابان‌نشین می‌باشد که ۷۰٪ جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. (Pelham, 2012) از دیگر نکات قابل توجه قبایلی که در شمال و جنوب شرقی این شبه‌جزیره استقرار یافته‌اند می‌باشد. از دهه ۱۹۹۰ مجاورت این طوایف با اسرائیل و غزه، شرایط مساعدی را برای رشد شبکه گسترده قاچاق فراهم کرده که در حقیقت عامل انتقال تسلیحات غیرقانونی و فعالیت‌های تروریستی میان صحرای سینا و غزه است. بخش المدیه در سینای شمالی در زمره مناطقی است که به‌واسطه حضور مجاهدان و بادیه‌نشینان رادیکال، حامل بزرگ‌ترین خطرات امنیتی می‌باشد؛ زیرا این منطقه از یک‌سو در مجاورت با مرز اسرائیل قرار داشته و از سوی دیگر نواحی تهدیدپذیری همچون رفح، العریش و جبل‌الحلال - در سینای مرکزی - را در بر می‌گیرد. منطقه جبل‌الحلال در گذشته از پایگاه‌های عمده سلسله عملیات تروریستی القاعده علیه ارتش مصر بود. به‌دلیل فقدان اقتدار دولتی در صحرا، المدیه عملاً توسط طایفه برکت - یکی از چند طایفه بادیه‌نشینانی که سابقه هواداری از آرمان‌های جهانی جهادگرایان را دارد - اداره می‌شود. (Issacharoff, 2013)

در پی خروج نیروهای اسرائیل از سینا در سال ۱۹۸۲، مرز مصر و اسرائیل در دوران مبارک شرایط نسبتاً آرامی را - البته به‌جز پاره‌ای برخورد‌های مرزی که گه‌گاه روی می‌داد - از سر گذارید. (Kershner, 2008) در سال‌های اخیر، کینه‌توزی‌های دیرینه اقوام بیابان‌نشین، حضور گروه‌های اسلام‌گرای فلسطینی و هم‌اکنون نیز گروهک‌های وابسته به القاعده که در پی تشدید خلاء امنیتی موجود می‌باشند، مجموعاً به افزایش حملات تروریستی از سینا به جنوب شرقی اسرائیل انجامیده است. اگرچه نمی‌توان آمار دقیقی از شمار نظامیان مشغول در درگیری‌های صحرای سینا ارائه نمود، اما شین بت - سرویس اطلاعاتی داخلی اسرائیل - تعداد گروهک‌های سلفی وابسته به القاعده که در این منطقه فعال هستند را در حد فاصل انقلاب ۲۰۱۱ مصر تاکنون در حدود ۱۵ مورد برآورد می‌کند؛ بدین معنی که گروه‌های یاد شده در همین مدت نسبتاً کوتاه به میزان قابل توجهی رشد کرده‌اند. (Ravid, 2013)

بیمان مصر و اسرائیل نیز که در ۱۹۷۹ منعقد گردید، بیش از ۳۰ سال صلح میان طرفین را حفظ نموده است. براساس ضمیمه امنیتی الحاق شده به معاهده، شبه‌جزیره سینا به چهار بخش تقسیم و حضور نیروهای نظامی در شبه‌جزیره با محدودیت روبه‌رو شده است. قواعد در نظر

گرفته شده برای ناحیه C - یعنی نیمه شرقی سینا که نزدیک مرز اسرائیل قرار دارد - حضور نظامیان مصری را به شدت محدود می کند؛ این در حالی است که مقررات وضع شده در ضمیمه معاهده، حضور نظامیان اسرائیلی را تنها در ناحیه D - یعنی در جوار نوار مرزی جنوب اسرائیل - محدود ساخته است. (Peace Treaty between Egypt and Israel, 1979) نیروها و ناظران چندملیتی از نیروهای حافظ صلح بین المللی مستقر در این ناحیه C می باشند که وظیفه دارند بر حسن اجرای پیمان صلح نظارت کنند. (The Multinational Force ... , 2013) از هنگام طلوع انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱، افزایش رادیکالیسم در میان بیابان نشینان سینا، گسترش تسلیحات در منطقه و رشد شمار پیکارجویان خارجی در سینا، مجموعاً به افزایش خشونت در این شبه جزیره انجامیده و در این میان نیروهای حافظ صلح مذکور نیز بارها هدف این خشونت قرار گرفته اند. از سوی دیگر افزایش نزاع طلبی در میان جمعیت بیابان نشین سینا، به ویژه گروه هایی که در بخش شمالی صحرا ساکن هستند نیز به افزایش برخوردها میان بیابان نشینان و نیروهای حافظ صلح و جلوگیری از انجام وظایف مقرر و گشت های هوایی آنها منجر شده است. (Balanga, 2012) در واقع خشونت به اندازه ای در منطقه شدت یافته که برخی مواقع نیروی حافظ صلح را ناتوان از پشتیبانی از پایگاه هایش نموده است. (Yaari, 2012) اعضای نیروی حافظ صلح نیز در پاسخ به گسترش تهدیدات، ناچار شده اند تحرکات خود را محدود نموده و تدابیر امنیتی اطراف پایگاه هایشان را تقویت نمایند، که این مسائل توانایی آنان را برای انجام موثر ماموریت هایشان محدود ساخته است. به طور مشخص می توان از کاهش توانایی این نیرو نیز به مثابه یک عامل موثر در گسترش وضعیت بی قانونی موجود در سینا در مقطع سقوط رژیم مبارک تا کنون یاد کرد. (Londono, 2013)

جمعیت بادیه نشین سینا: ستون پنجم مصر

در آوریل ۱۹۸۲، حاکمیت مصر بر شبه جزیره سینا، پس از ۱۵ سال اشغال اسرائیل مجدد اعاده گردید. در خلال سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ که اسرائیلی ها بر سینا حاکمیت داشتند، فرآیند توسعه این ناحیه را کلید زدند که بعدها تأثیرات خود را به عنوان یک صنعت گردشگری سودآور نشان داد. این فرآیند با مشورت بادیه نشینان محلی پیش می رفت. همچنین در دوران اشغال

سینا توسط اسرائیل، برای ارتقای سطح خدمات اجتماعی در دسترس ساکنین نیز تلاش‌هایی انجام شد. از این رو در پی بازپس گرفتن این ناحیه، بی‌اعتمادی حکومت مبارک نسبت به ساکنین سینا افزایش یافت و حتی از آنها به‌عنوان هم‌دستان اسرائیل نام برده شد. طبیعتاً بخشی از سوءظن حکومت مصر نسبت به بادیه‌نشینان سینا، ریشه در تصور مثبتی داشته که بسیاری از آنان در قبال اسرائیل پیدا کرده بودند.

در دوران حاکمیت مبارک منع حضور ساکنان سینا در ارتش مصر به تشدید محدودیت‌های آنان انجامید؛ سیاستی که محروم شدن بادیه‌نشینان صحرا از فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را به همراه داشت. در همین راستا مشاغل دولتی به آنان اعطا نمی‌شد و اغلب جماعات سینا از حق مالکیت زمین (و دیگر حقوق مربوط به مالکیت) برخوردار نبودند. افزون بر این، آنان حتی از سود صنایع مبتنی بر منابع طبیعی و صنعت گردشگری ناحیه خود نیز بی‌بهره ماندند. با این حال حکومت مصر در دوران مبارک سیاست سابق را که برای برهم زدن توازن جمعیتی در سینا از طریق پرداخت یارانه و دیگر حمایت‌های مالی، سکونت در دره نیل را تشویق می‌کرد، دست‌خوش اصلاحات اندکی به نفع مردم سینا نمود. (Pelham, 2012, 2-3) اما در واقع حکومت مبارک اصولاً شبه‌جزیره سینا را نادیده می‌گرفت و حتی وقتی هم که درگیر پروژه‌های توسعه و ساخت‌وساز این منطقه شد، عمده مساعی‌اش را متوجه توسعه صنعت گردشگری در طول ساحل دریای سرخ یا زیرساخت‌های خط لوله گاز عرب در سینای شمالی نمود. نیازهای مردم سینا، عمدتاً در نظر گرفته نمی‌شد و این سیاست‌ها خشم و نارضایتی آنان از حکومت را صدچندان می‌ساخت.

به این ترتیب در دهه ۱۹۹۰، محروم ماندن از ثروت بادآورده گردشگری و صنایع مبتنی بر منابع طبیعی منطقه و نیز بی‌بهره ماندن از فرصت‌های اقتصادی مجموعاً به شکل‌گیری اقتصادی غیرقانونی انجامید که بر قاچاق دارو و کالاهای دیگر به غزه و اسرائیل استوار بود. در سال ۲۰۰۷ اعمال تحریم اقتصادی از سوی اسرائیل نسبت به غزه، بادیه‌نشینان مشغول به قاچاق را به صرافت اضافه کردن تسلیحات و برخی دیگر کالاها به فهرست خود انداخت. این امر از طریق شبکه‌ای از تونل‌های حفر شده میان مرز مصر و غزه انجام می‌شد. شبکه گسترده اقتصاد غیرقانونی از یک‌سو

به واسطه فساد درونی پلیس و نیروهای امنیتی مصر و از سوی دیگر به دلیل ویژگی‌های زندگی عشیره‌ای مردم صحرای سینا - مانند وابستگی قومی و پیوندهای خانوادگی، سکونت اعضای یک طایفه در دو سوی مرز و همچنین آشنایی آنان با عوارض و ناهمواری‌های بیابان‌ها - رونق یافت. در مرحله اول توسعه این بازار سیاه، طوایف بیابان‌نشین متعددی از نظام اقتصادی سراسری جدا مانده بودند. برخی از قبایل ساکن در سینای شمالی - از جمله طوایف تارابین، سوارکا و رومیلات - به واسطه زندگی در طول مرز مصر و غزه توانستند اقدام به ایجاد شبکه گسترده‌ای از تونل‌های قاچاقی نمایند که در طول مرز مشترک با غزه حفر شده بود. این در حالی است که طوایف محلی نیمه‌جنوبی منطقه مرزی مصر و اسرائیل نیز راسا تجارت کالاهای مختلف، مواد مخدر و قاچاق انسان در دو سوی مرز را به دست گرفته‌اند. (Pelham, 2012, 3-5) در سال ۲۰۱۱ ارزش کلی کالاهای در گردش در این بازار سیاه بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شد و این تجارت مشخصاً عمده‌ترین منبع درآمد بادیه‌نشینان سینا بود. (Egypt: Mass Arrests ..., 2005)

گسترش رادیکالیسم در میان بادیه‌نشینان صحرای سینا

دهه‌ها تداوم سیاست‌های تبعیض‌آلود، حاشیه‌نشینی اقتصادی و دیگر اقدامات سرکوب‌گرانه حکومت مبارک، شرایط مساعدی را برای رادیکالیزه شدن جماعات بادیه‌نشین صحرای سینا فراهم نموده بود. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، چندین مورد بمب‌گذاری تروریستی در مناطق توریستی سینا به وقوع پیوست که بازنمایاننده ریشه گرفتن سلفیسم در میان مردم این ناحیه بود. حکومت مصر انگشت اتهام حملات یاد شده را به سوی قبایل تارابین و سوارکا در شمال سینا گرفت؛ به زعم حکومت این قبایل با هم‌دستی تعدادی از گروه‌های فلسطینی اسلام‌گرای حاضر در شبه‌جزیره سینا اقدام به حملات تروریستی کرده بودند. در پاسخ به این حملات رژیم مبارک سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را در قبال مردم بادیه‌نشین سینای شمالی اعمال نمود. صدها نفر دستگیر شدند و مدت‌ها در بازداشت به سر بردند، بساط شکنجه در سراسر سینا گسترده شد. همچنین بدرفتاری‌های دیگری در قبال مردم ناحیه گزارش شده که از جمله آن می‌توان به بازداشت همه خانواده افراد مشکوک برای واداشتن آنان به اعتراف اشاره نمود. (Yaari, 2012)

رژیم از سوی دیگر به شکایات جمعیت بادیه‌نشین رسیدگی نمی‌کرد و بدین ترتیب به رشد افراطی‌گری در میان آنان کمک کرد. در واقع مردم سینا تبعیض سیستماتیک و حاشیه‌نشینی اقتصادی را به‌طور هم‌زمان تجربه کردند. اما حضور و گسترش اسلام‌گرایی در سینا پدیده جدیدی است. در واقع فرآیند رشد گرایش‌های اسلام‌گرایانه در میان مردم این منطقه که از میانه دهه ۲۰۰۰ آغاز شده بود، در پی سقوط مبارک تشدید شد. البته بادیه‌نشینان سینا در طول تاریخ همواره نگرش مثبتی نسبت به تفاسیر بنیادگرایانه از اسلام داشتند و نفرت آنان از حکومت، به‌همراه رکود اجتماعی - اقتصادی همچنین زمینه مناسبی برای ریشه گرفتن اسلام‌گرایی در میان مردم این منطقه ایجاد کرده بود. (Pelham, 2012, 14-15) سیاست‌های سخت‌گیرانه حکومت نسبت به بادیه‌نشینان پس از بمب‌گذاری‌های دریای سرخ را باید نقطه عطفی در رشد گرایش‌های اسلام‌گرایانه دانست؛ زیرا نیروهای امنیتی مصر بسیاری از مردم شبه‌جزیره را در سلول‌هایی حبس کردند که از مدت‌ها پیش سلفی‌های زیادی را در خود جا داده بودند. (Zanotti, 2010) در این میان دو حادثه عمده باعث شد تا روند رادیکالیسم در صحرای سینا بیش از پیش تشدید گردد؛ از یک‌سو عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ و از دیگر سو محاصر اقتصادی این منطقه در سال ۲۰۰۷ پس از اینکه حماس قدرت سیاسی را در غزه به‌دست گرفت. همچنین خروج نیروهای اسرائیلی از دالان فیلادلفیا و محاصره آن توسط قوای اشغالگر به تقاضا برای کالاهای قاچاق که این‌بار شامل نقل و انتقال تسلیحات نیز می‌شد را افزایش داد. (Yaari, 2012, 6-7) در واقع از هنگامی که جماعات بادیه‌نشین ساکن سینا برای حفظ شبکه قاچاق کالا - که حالا به شاهرگ اقتصادی آنها مبدل شده بود - به حماس وابسته شدند، به‌طور فزاینده‌ای تحت تاثیر نفوذ ایدئولوژیک این جریان قرار گرفته و بدین ترتیب دشمنی آنها در قبال اسرائیل پررنگ‌تر شد. (Ravid, 2013; Pelhalm, 2012; Balanga, 2012)

طبق یکی از گزارش‌های اخیر سرویس اطلاعاتی داخلی رژیم صهیونیستی، دیگر عوامل موثر در زمینه افزایش تمایلات اسلام‌گرایانه در میان بادیه‌نشینان سینا را می‌توان در موارد زیر یافت: بیگانگی طولی‌مدت از رژیم‌های متوالی حاکم بر مصر که همواره سیاست نادیده گرفتن بادیه‌نشینان سینا را تداوم داده‌اند؛ افزایش یافتن تعداد سایت‌های اینترنتی اسلام‌گرایان، که به‌ویژه

تأثیر به‌سزایی بر جوانان ساکن در سینا داشته است؛ و سرازیر شدن تعداد قابل توجهی از روحانیون خارجی و اسلام‌گرایان غزه به سینا. (Ravid, 2013; Pelhalm, 2012; Balanga, 2012)

ظهور مثلث ترور: سینا، غزه، اسرائیل

هم‌اکنون عمده تهدیدات تروریستی موجود در صحرا را می‌توان در قالب دو گروه رقیب مشاهده کرد: «گروه‌های محلی» که متشکل از تروریست‌های فعال در خارج از سینا بوده و «گروه‌های جهانی» که متشکل از تروریست‌هایی از کشورهای همسایه صحرای سینا به این منطقه آمده‌اند. این در حالی است که حکومت مصر نیز تا کنون نتوانسته حاکمیت خود را در این منطقه اعاده کند و زیرساخت‌های تروریستی در حال رشد را در آنجا از میان ببرد. در واقع، وضعیت بی‌قانونی که متعاقب خلع مبارک فراگیر شده، شبه‌جزیره را به یک «هسته عملیاتی» مبدل نموده است و البته بازنمایاننده ارتباط مستقیم میان طوایف بادیه‌نشینان سینا و نفوذ پیکارجویان خارجی نیز می‌باشد که به‌واسطه خلاء قدرت فزاینده به آنجا سرازیر شده‌اند. اکنون با دربرگرفتن طیف گسترده‌ای از گروه‌های اسلام‌گرای دارای اصالتی غزه‌ای تا تشکیلات گروه‌های جدیدی که از لحاظ ایدئولوژیک وامدار القاعده هستند و نیز تا بادیه‌نشینان رادیکال، شبه‌جزیره سینا مامن امنی برای زیرساخت‌های تروریستی در حال گسترش شده است. از سوی دیگر، حمایت شبکه‌های قاچاق از این گروه‌ها نیز مزید بر علت شده و به تهدیدی جدی برای معاهده صلح مصر و اسرائیل مبدل شده، چه اینکه معاهده یاد شده در ۳۰ سال گذشته عمدتاً بر غیرنظامی بودن منطقه سینا مبتنی بوده است.

حضور فزاینده القاعده و پیکارجویان خارجی در سینا

عبارت «یک نوع غرب وحشی» در توصیف شبه‌جزیره سینا به نام بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل سکه خورده است، که در پاسخ به گزارش‌های واصله در آوریل ۲۰۱۲ بدان اشاره نمود. این گزارش‌ها خبر از سوءاستفاده بازیگران خارجی نظیر ایران از این ناحیه برای رساندن تسلیحات به دست حماس در غزه و نیز تبدیل سینا به سکوی پرتاب موشک جهت ابتکار حملاتی علیه اسرائیل می‌داد. (Lewis, 2012)

بر اساس یکی از مقامات اطلاعاتی اسرائیل: «ما فکر می‌کردیم عناصر با تجربه جهاد جهانی از افغانستان و عراق به سینا می‌آیند و از آنجا به غزه می‌روند، اما در عمل شرایط به‌گونه دیگری بوده، چندان که عناصر غزه‌ای همواره تحت تعلیم جهادگران سینا قرار می‌گرفته‌اند. سلفی‌های غزه در واقع همان فراری‌های حماس و جهاد اسلامی هستند که به‌خوبی نیروی دفاعی اسرائیل را می‌شناسند و سابقه مبارزاتی بیشتری از جهادگران سینا دارند... هر یک از جهادگران غزه فی‌نفسه یک کپسول عملیاتی هستند.» (Ravid, 2013)

همچنین یکی دیگر از گزارش‌های اطلاعاتی اسرائیل نشان داده است که در حال حاضر ۱۵ گروه سلفی مختلف در شبه‌جزیره سینا فعالند. این گروه‌ها - اگرچه رسماً عضو سازمان القاعده نیستند - از لحاظ ایدئولوژیک وام‌دار آن می‌باشند و طبق گزارش‌ها در سال‌های اخیر چهار گروه از این میان اهدافی را در مرزهای جنوبی اسرائیل مورد حمله قرار داده‌اند. این گزارش همچنین اشاره می‌کند که اگرچه تعداد پیکارجویان خارجی حاضر در سینا را نمی‌توان نادیده انگاشت، اما بادی‌نشینان بومی سینا اکثریت اعضای این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند. نکته جالب توجه اینکه شین‌بت حضور چندصد پیکارجوی ملهم از القاعده را در سینا گزارش می‌کند، آژانس اطلاعات نظامی اسرائیل (امان) تعداد این پیکارجویان را چند هزار نفر برآورد می‌کند. (Ravid, 2013)

چهار گروهی که در گزارش شین‌بت فعال‌تر از دیگر گروه‌ها عمل نموده‌اند، عبارتند از: التکفیر الهجره، مجلس شورای مهاجرین، انصار بیت‌المقدس و جیش‌الاسلام. حضور فعالانه گروه جیش‌الاسلام در صحرای سینا در حال گسترش است و این امر فی‌نفسه حاکی از استفاده فزاینده اسلام‌گرایان فلسطینی غزه از خاک سیناست. اساساً این سازمان توسط قبیله دغمش در غزه بنیان نهاده شد و در ژوئن ۲۰۰۶ مسئولیت ربودن گیلاد شالیت را به انجام رساند. (Ravid, 2013)

بادیه‌نشینان از فرصت دست داده نهایت بهره‌برداری را به‌عمل آورده و در یک رشته حملات پی‌درپی، پلیس و واحدهای ارتش را هدف قرار دادند، همچنین چندین بار خط لوله گاز عربی - که گاز طبیعی را به اسرائیل و اردن صادر می‌نماید - را هدف حملات خود قرار دادند. پس از کودتای ۲۰۱۳ و سپس اعدام ۲۵ نفر از نیروهای پلیس مصر در میانه آگوست ۲۰۱۳، ارتش نقش فعالانه‌تری در سینا ایفا می‌کند و تا کنون در تلاش برای از میان بردن خطر فعالیت‌های تروریستی جهادگرایان و نیز نابودی زیرساخت‌های ایجاد شده توسط آنان حملات شدیدی به آنان کرده است. (Kirkpatrick, 2013)

۳۱

یکی از شگفت‌انگیزترین تحولات اخیر رشد میزان نفوذ القاعده و نیز دیگر گروه‌های تحت تاثیر آن در ناحیه سینا می‌باشد. لورنزو ویدینو مدعی است با اینکه خرد غالب بهار عربی، دلالت بر طرد ایدئولوژی القاعده دارد، اما «در سطوح تاکتیکی اعراب همچنان از مزایای این ایدئولوژی در مکان‌هایی نظیر شبه‌جزیره سینا برخوردار هستند.» (Terrorism Experts ..., 2011) در واقع گروه‌های وام‌دار از القاعده به‌جای عمل براساس اولویت‌های اسلام‌گرایانه خود، از سال ۲۰۱۱ با سوار شدن بر موج شکایات بادیه‌نشینان ناراضی، مساعی خود را متوجه یافتن پایگاهی در ناحیه سینا نموده‌اند. همچنان‌که بروس ری‌دل نیز اشاره می‌کند: «ترکیب شدن مطالبات جهادگرایان با شکایات و ناراضی‌های بادیه‌نشینان محلی به سمت رادیکال شدن جمعیت بادیه‌نشین سینا شد که مدت سرکوبی و رنج را تحمل کرده بودند.» (Riedel, 2012) این روند شگفت‌انگیز در جولای ۲۰۱۱ یعنی هنگامی مشخص گردید که متعاقب حمله به یک پایگاه پلیس در العریش، مهاجمان که منسوب به القاعده بودند، بیانی‌های منتشر ساختند که تاسیس یک امارت اسلامی در سینا، لغو معاهده صلح با اسرائیل و نیز پایان دادن به سیاست‌های تبعیض‌آمیز و حاشیه‌ای‌سازی اقتصادی دیرپای حکومت مرکزی نسبت به جماعت بادیه‌نشین ساکن سینا را خواستار شده بود. (Yaari, 2013; Riedel, 2011) در این بین آژانس‌های اطلاعاتی مصر، اسرائیل و کشورهای غربی گسترش حضور پیکارجویان خارجی در سینا متعاقب فروپاشی رژیم مبارک در سال ۲۰۱۱ را به دقت زیر نظر گرفتند. به‌نظر می‌رسد شمار پیکارجویان خارجی به‌طور پیوسته در سایه ضعف ارتش مصر در اعاده اقتدار خود بر شبه‌جزیره، فزونی یافته است، به گونه‌ای که تا ژانویه

۲۰۱۳ مقامات اطلاعاتی غربی خبر از فعالیت تعداد قابل توجهی از پیکارجویان خارجی از مناطق حساسی نظیر سومالی، یمن، الجزایز و لیبی در سینا می‌دادند. (Barnett, 2013) دیگر نکته شایان توجه اینکه، بسیاری پیکارجویان سرازیر شده به سینا، افرادی میدان‌دیده و دارای مهارت در فنون نبرد نامتقارن می‌باشند و همچنین برخی دیگر نیز در زمینه کاربرد تسلیحات پیچیده و روزآمد و دیگر تکنیک‌های جنگی مهارت دارند و با طیب خاطر حاضرند تجربیات خود را در اختیار شبه‌نظامیان محلی قرار دهند. به دلیل همین تجربه و مهارت قابل توجه پیکارجویان خارجی هم اکنون خطر دخالت و برخورد اسرائیل به شدت افزایش یافته است.

حضور فزاینده گروه‌های وابسته به القاعده در شبه‌جزیره سینا بازگشت وضعیت مصر به بی‌ثباتی را مجدداً زنده می‌کند؛ یعنی روزهایی که برخی سازمان‌های اسلام‌گرا همچون جامعه اسلامی به‌طور مرتب با نیروهای حکومتی وارد نبرد مسلحانه می‌شد و حکومت نیز با اقدامات سرکوب‌گرانه زیادی به آنها پاسخ می‌داد. طرف اسرائیلی اما مطابق با قید مصرح در ضمیمه امنیتی پیمان صلح، ناچار است میزان نیروهای نظامی‌اش در منطقه D را محدود نگه دارد، این وضعیت در حالی است که افزایش رادیکالیسم ساکنان سینا و همکاری آنان با سازمان‌های وام‌دار از ایدئولوژی القاعده، مرزهای اسرائیل را در معرض تهدید بالقوه غیرقابل اغمازی قرار داده است. همچنین باید اضافه کرد در دو ماهه منتهی به عزل رییس‌جمهور مرسى نیز موج جدیدی از پیکارجویان خارجی وارد سینا شده‌اند و بسیاری از آنان به مجرد ورود برای اقدام به حملات جهادی علیه ارتش مصر اعلام آمادگی نموده‌اند. (Local, Foreign ..., 2013) نهادهای اطلاعاتی اسرائیل تخمین می‌زدند که شمار حملات تروریستی به نیروهای مصری مستقر در سینا از سوی پیکارجویان تا دو ماه پس از خلع مرسى به بیش از ۳۰۰ مورد بالغ گردد. (Limor, 2013) در سپتامبر ۲۰۱۳، ارتش مصر در مقیاس وسیعی به عملیات نظامی در شبه‌جزیره سینا پرداخت. در حالی که حکومت مدعی بود اقدامات نظامی اخیر در پاسخ به حملات تروریستی فزاینده در سینا انجام می‌شود، بسیاری از ساکنان محلی این حملات را دستاویزی برای بازگشت به سیاست‌های سرکوب‌گرانه دوران مبارک قلمداد کردند و در پاسخ به آنها متقابلاً حمله به نیروهای امنیتی مصر را ادامه دادند. (Local, Foreign ..., 2013) تحولاتی که برخی مواقع در روند این حملات

روی می‌دهد را نیز می‌توان روی هم‌رفته موقتی و بازگشت‌پذیر دانست و مخاطراتی که بدین دلیل متوجه اسرائیل می‌باشد همچنان بسیار بالاست. فرمانده نیروی زمینی واحد جنوبی اسرائیل شاملولو ترجمان نیز در این خصوص بر آن است که «براساس رویکرد این گروه‌های تروریستی، اولویت اول برای آنها تخریب ثبات و امنیت مصر است و همیشه برای اینکه به سراغ ما بیایند وقت دارند، موشکی که اخیراً به سوی شهر ایلات شلیک شده، گواه همین مدعاست.» (Yaari, 2013)

حماس و بادیه‌نشینان

۳۳

از واپسین سال‌های حاکمیت رژیم حسنی مبارک، شواهدی چند خبر از همکاری میان قبایل شمالی ساکن سینا و حماس بود، (Yaari, 2013) اما تا سال ۲۰۰۷ روند همکاری حماس و دیگر تشکل‌های شبه‌نظامی مستقر در غزه با جمعیت بادیه‌نشین ساکن سینا به شدت افزایش یافته بود. از سوی دیگر تحریم‌های اقتصادی وضع شده توسط اسرائیل - که رژیم مبارک با آن هم‌سو بود - نیز این همکاری میان مرزی را توسعه داد و به تشدید رادیکالیسم بادیه‌نشینان انجامید. تحریم‌های یاد شده باعث گسترش رونق گرفتن مبادله غیرقانونی تسلیحات گردید. گفتنی است بسیاری از تسلیحات مذکور از انبار زرادخانه قذافی به مصر و از طریق مصر به دست حماس در غزه رسانده می‌شد. (Cohen, 2012) از سال ۲۰۰۷، گسترش شبکه تونلی باعث افزایش حضور حماس در سینا شد و این امر نیز خود به سوءاستفاده از شبکه‌های زیرزمینی یاد شده برای قاچاق تسلیحات به این دو مقصد (یعنی سینا و غزه) انجامید. از سال ۲۰۱۰ حماس انتقال تسلیحات سنگین به انبارهای سینا را نیز کلید زد. این امر نخستین بار در اکتبر همان سال و پس از اینکه شهرهای ایلات و عقبه هدف موشک‌های پرتاب شده از سینا قرار گرفتند، مشخص گردید. (Yaari, 2013; Farrell & Kershner, 2010)

حماس، سینا را یک پایگاه عملیاتی مهم و تعیین‌کننده می‌داند. در واقع از سال ۲۰۱۰ حماس و دیگر سازمان‌های اسلام‌گرای دارای اصالت غزه‌ای، به‌جز بهره‌گیری از موقعیت سرزمینی و جمعیت بومی سینا، این شبه‌جزیره را به پایگاه عملیاتی علیه دولت یهود نیز مبدل ساخته است. این در حالی است که اسرائیل به‌طور مرتب با بمباران اهدافی در غزه به این

حملات پاسخ داده است، این رژیم اما برای جلوگیری از به مخاطره افتادن معاهده صلح با مصر، از دادن پاسخ به حملات صورت گرفته از سینا خودداری نموده است. خویشتن داری اسرائیل اما، زمینه را برای اسلام‌گرایان فلسطینی بیش از پیش مهیا ساخت تا بدین ترتیب با خیالی آسوده و دست باز اقدام به حملات بعدی نمایند. با اینکه ارتش مصر اخیراً در طول مرز مشترک با غزه مبادرت به اقدامات تهاجمی جدیدی با هدف نابودی تونل‌ها نموده، اما گفتنی است کلیه تلاش‌های پیشین دولت مصر برای از میان بردن کامل شبکه‌های قاچاق در طول مرز مصر و غزه ناکام مانده است. (Booth & Hauslohner, 2013) همچنین پس از هر عملیات، تونل‌ها مجدداً ساخته می‌شوند و اقتصاد غیرقانونی پیشین که اکنون به روش گذران زندگی بادیه‌نشینان سینا از یک‌سو و ساکنان غزه از سوی دیگر مبدل شده، دوباره برقرار می‌گردد. از سوی دیگر، چنانچه این بار نیز تلاش‌های حکومت برای اعاده اقتدار از دست رفته‌اش در صحرای سینا با شکست روبه‌رو شود، بدون شک حملاتی که برضد نیروهای امنیتی انجام می‌گیرد افزایش خواهد یافت، چه اینکه چنین عملیاتی دست‌کم باعث ایجاد وقفه در مبادلاتی می‌شود که برای بادیه‌نشینان به‌شدت حیاتی است.

پیامدهای احتمالی برای اسرائیل و مصر

در پی سقوط مبارک، جماعات بادیه‌نشین سینا نخستین گروه‌هایی بودند که علم مخالفت برافراشتند و نیروهای امنیتی محلی را مورد حمله قرار دادند. تا آگوست ۲۰۱۱، ساکنان شبه‌جزیره حملات فرامرزی را نیز شروع کرده و اهدافی را در عمق مرزهای جنوبی اسرائیل هدف قرار داد. نیازی به گفتن ندارد که ساکنان سینا، به طریق اولی می‌کوشیدند به‌منافع اسرائیل در سینا - به‌ویژه خط لوله گاز عربی در العریش - آسیب وارد کنند. پس از آن نیز ساکنان سینا، شبه‌نظامیان فلسطینی و گروه‌های منسوب به القاعده، حملات بی‌شماری را علیه مواضع اسرائیلی از خاک سینا سازمان داده‌اند. البته موج جدیدی که در مورد آسیب زدن به منافع اسرائیل در بین مردم سینا به‌وجود آمده است را تا حدودی نیز می‌توان نتیجه اقدامات اسرائیل در قبال انقلاب مصر دانست. اگرچه اقدامات یاد شده - از جمله محروم ساختن

شهروندان اسرائیلی از مسافرت به سینا و نیز ساختن یک حصار امنیتی در امتداد مرز مشترک جنوبی با مصر - در واقع برای حفاظت از منافع اسرائیل صورت گرفته‌اند، اما بی‌تردید تاثیر مستقیمی بر اوضاع اقتصادی مردم سینا گذاشته و به‌طور ناخواسته باعث تنگ‌تر شدن پیوندهای آنان با شبه‌نظامیان منسوب به غزه گردید. (Bechor, 2012; Pelham, 2013, 5-7)

از سال ۲۰۰۷، ارتش اسرائیل تعداد قابل توجهی از حملاتی که از ناحیه سینا نسبت به اسرائیل انجام شده بود را خنثی کرده است. رویدادهای آگوست ۲۰۱۱ از این جهت یک نقطه عطف به‌شمار می‌آید که بادیه‌نشینان سینا برای نخستین بار به اهدافی بیرون از قلمرو سینا یورش بردند و این امر، باعث ایجاد تحولی در رویکرد خوش‌بینانه اسرائیلی‌ها شد. همچنین به اسرائیلی‌ها نسبت به شکنندگی معاهده صلح هشدار می‌داد و به آنان گوشزد می‌نمود که به‌راحتی ممکن است ناگهان خود را در گرداب درگیری نظامی مجدد با مصر بیابند. پس از این حمله، ایهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، مدعی شد: «برخی اوقات شما مجبور به قربانی کردن ملاحظاتی راهبردی به‌واسطه نیازهای تاکتیکی عاجل می‌شوید.» (Springtime in Sinai, 2011) با این حال از آگوست ۲۰۱۱ شمار حملات ایذایی انجام گرفته از سینا - چه حملاتی که به‌طور موفقیت‌آمیزی به‌انجام رسیدند و چه موارد عدیده‌ای که توسط نیروهای امنیتی اسرائیل خنثی شدند - به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافت و به مقامات دولت یهود فهماند که برای کم کردن این تهدید و نیز به‌منظور جلوگیری از تیره شدن روابط قاهره و اورشلیم (که از عمده اهداف طراحان حملات بود) باید اقدام به دادن پاسخ‌های عملیاتی به مهاجمان کند. از سوی دیگر، متوقف کردن آشفته‌بازار امنیتی و فقدان نظم و قانونمندی در سینا برای مصر نیز منافع بسیار زیادی را به‌همراه دارد، اگرچه به‌نظر می‌رسد امنیت سینا تنها یکی از بی‌شمار معضلاتی است که قاهره با آن دست‌به‌گریبان می‌باشد. مثلاً در دهه گذشته کاهش فزاینده امنیت در سینا باعث شده تا صنعت گردشگری مصر - که از منابع عمده درآمدزایی مصر بوده و حدود ۱۱٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد (Egypt: Tourism ..., 2013; Pelham, 2013) - دچار روندی نزولی گردد. از طرفی، حملات مکرر به خط لوله صادرات گاز نیز که توسط بادیه‌نشینان به‌منظور افزایش تنش میان قاهره و اورشلیم صورت می‌گیرد، مسلماً مصر را بیش از دولت یهود

متضرر می‌سازد. بنابراین تقویت وضعیت امنیتی شبه‌جزیره، منافع بالقوه‌ای نیز برای مصر در جهت تداوم فرآیند تشکیل حکومت جدید و نیز احیای اقتصاد آن کشور به همراه خواهد داشت.

پیشنهاداتی برای دستگاه‌های سیاست‌گذار

تهدید کنونی پدیدار شده در سینا، عمدتاً از پیوندهای فزاینده ایدئولوژیک میان ساکنان سینا و ظهور جنبش‌های اسلام‌گرایانه در آنجا سرچشمه می‌گیرد. این در حالی است که تداوم وضعیت نابسامان امنیتی در شبه‌جزیره نیز می‌تواند به مثابه یک تجزیه‌کننده، منازعه نظامی میان مصر و اسرائیل را تشدید نماید و حیات پیمان صلح را به خطر افکند. البته طرفین این موضوع باید محدودیت‌های سیاسی و عملی موجود در زمینه اتخاذ یک راهبرد مشترک بلندمدت در جهت کاهش این تهدید را نیز در نظر بگیرند. همچنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، از سال ۲۰۱۱ که سینا دچار وضعیت بی‌قانونی شد، مصری‌ها نتوانسته‌اند کنترل پیشین خود بر آن را احیا کنند و در مقابل اسرائیلی‌ها نیز با امید به اینکه قاهره مستمراً تلاش و توجه خود را معطوف به بازبایی اقتدار خود در آنجا کند، از هرگونه تعدی و واکنش تهاجمی نسبت به حملات صورت گرفته از آنجا خودداری کرده‌اند تا به توافقات خود در پیمان صلح پایبند بمانند. افزایش خشونت در شبه‌جزیره و آزادانه هدف قرار دادن نیروهای امنیتی مصر و نیروهای چندملیتی ناظر، به‌طور قابل توجهی توانایی نیروهای حافظ صلح را نیز در نظارت بر حسن اجرای پیوست امنیتی پیمان صلح مصر و اسرائیل فرسوده است. به بیان دیگر اگرچه پیوست امنیتی معاهده از کارایی عملی پایینی برخوردار است، نباید از یاد برد که تاثیر مهمی بر ثبات معاهده داشته و دارد.

حفظ چارچوب موجود پیمان صلح

تهدید امنیتی فزاینده سینا، معمای جدیدی را پیش روی مصر و اسرائیل قرار داده است؛ در طرف مصری، حاکمیت چه در دوران مبارک و چه در دوره مرسی، صحرای سینا را چندان مورد تفقد قرار نمی‌داد و به قول‌هایی که به مردم سینا برای ارتقای سطح زندگی آنان داده شده بود عمدتاً جامه عمل نپوشاند، در نتیجه رنجش بادیه‌نشینان سینا از حکومت بیشتر و بیشتر نیز شد.

در حال حاضر حتی چنانچه قاهره بخواهد تلاش‌های موثر خود را معطوف به کاهش وضعیت بی‌قانونی در سینا نموده و بدین منظور بر شمار نیروهایش در آن ناحیه بیفزاید، طبق الحاقیه امنیتی معاهده، نیازمند کسب موافقت اسرائیل می‌باشد. از این رو چنین وضعیتی شاید به یک معنا بازنمایاننده تحقیر ملی حکومت مصر باشد و برخی را به صرافت این معنا بیندازد که آیا تداوم پابندی به وضعیت کنونی پیمان صلح (در پرتو واقع اخیر) اصولاً در راستای منافع ملی مصر قرار دارد یا خیر؟ (Tamarod Movement ..., 2013) در حال حاضر بسیاری از مصری‌ها و نیز برخی عناصر در اسرائیل، خواهان تجدید مذاکرات میان طرفین و انعکاس بی‌ثباتی‌ها و تهدیدات امنیتی اخیر در معاهده می‌باشند، اما طرف اسرائیلی دست کم در شرایط کنونی استدلال قانع‌کننده‌تری برای رد این درخواست دارد.

بسیاری از اسرائیلی‌ها با اشاره به اینکه چه در دوران مبارک و چه در دوره یک‌ساله مرسی، حکومت مصر همه توان خود را مصروف اعاده کنترل بر سینا و انهدام شبکه قاچاق بادیه‌نشینان نموده است، برآنند که این درخواست مصری‌ها از روی صداقت نیست. در واقع اسرائیلی‌های زیادی اعتقاد دارند که نیت واقعی مصری‌ها این است که نرم‌نرمک نظامات حقوقی پیش‌بینی شده در کمپ دیوید را تغییر و این روند را تا پوچ و فاقد معنا شدن معاهده ادامه دهند. آنان استدلال می‌کنند که از هنگام سقوط مبارک، حکومت مصر بارها می‌توانسته با همکاری اسرائیل، مبادرت به عملیات علیه تهدید فزاینده سینا نماید، از این رو تجدید روند مذاکرات حتی به‌منظور ایجاد ترتیبات نظامی جدید نیز ضرورتی ندارد و چه‌بسا ورود به چنین فرآیندی امنیت اسرائیل را در بلندمدت با تهدید بزرگ‌تری مواجه نماید.

اخیراً موسسه مطالعات ملی در تل‌آویو، در خلال یک مطالعه شبیه‌سازی، نتیجه گرفته است که «ورود به فرآیند تجدید مذاکرات یا اصلاح پیمان، پیچیده‌تر از آن است که بتوان تصور کرد.» همچنین نتایج مطالعه مذکور حاکی از آن می‌باشد که هر دو طرف احتمالاً پاره‌ای ملاحظات و اهداف مشترک را در رابطه با جلوگیری از وخامت اوضاع امنیتی صحرای سینا دنبال خواهند کرد، اما در فرآیند مذاکره در خصوص وضعیت جدید، ممکن است فاصله بسیار زیادی در خصوص بعضی متغیرهای حیاتی میان یکدیگر احساس کنند، لذا دستیابی به توافق جدید

بسیار دور از ذهن خواهد بود. از سوی دیگر، باید در نظر گرفت که بسیاری از مصری‌ها، از پیمان صلح و نیز حکومت‌هایی که تلاش می‌کردند آن را حفظ کنند، عمیقاً متنفرند. از این رو، ضمن اقدام به شروع فرآیند مذاکرات جدید در خصوص این پیمان نیز ممکن است رژیم نوپای قاهره را وادار کنند تا مواضع سفت و سخت‌تری نسبت به اسرائیل در مذاکرات اتخاذ نماید و یا حتی به کلی از مذاکرات عقب بنشینند. در نتیجه، در تحلیل نهایی با وجود بی‌ثباتی سیاسی در مصر و پیش‌بینی ناپذیری تحولات آینده، ایجاد تغییرات دایمی در آرایش امنیتی ممکن است اسرائیل را در درازمدت در معرض مخاطرات بیشتری قرار دهد. (Siboni, 2012)

مولفه‌های عملیاتی اسرائیل در وضعیت حاضر

اسرائیل نیز در واکنش به تهدید شکل گرفته در سینا، دست به سلسله اقداماتی زده است، از جمله اینکه براساس الحاقیه امنیتی، از آگوست ۲۰۱۱ با درخواست مصر برای استقرار نیروهای بیشتر در سینا بیش از یک‌بار موافقت کرده است. همچنین اسرائیل برخی اقدامات دفاعی را نیز در طرف مرز خود در دستور کار قرار داده، که از جمله آنها می‌توان به ارتقای قابل توجه سنسورهای نظارتی و دیگر فناوری‌هایی که به منظور شناسایی عوامل نفوذی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، استقرار نیروهای بیشتر در ناحیه مرزی و بنا کردن یک حصار مرزی اشاره نمود. از سوی دیگر، اخیراً یک واحد جدید تنها با هدف خنثی کردن حملات طراحی شده از سینا، در شین‌بت ایجاد شده است. تشکیل چنین واحدی که وظایف تعریف شده برای آن بر طبق گزارش‌های ارائه شده، دقیقاً مشابه با واحدهای اطلاعاتی دیگر شین‌بت برای خنثی کردن فعالیت‌های تروریستی در استان مورد مناقشه یهودا و شومرون (کرانه باختری رود اردن) می‌باشد را می‌توان نشانه‌ای از نگرانی فزاینده اسرائیلی‌ها در قبال تهدید تروریستی سینا دانست. اقدامات تدافعی یاد شده تنها به منزله گام‌های آغازین بوده و به هیچ عنوان کافی نخواهند بود. در واقع اسرائیل ضرورتاً باید چالش‌های امنیتی که به واسطه سینا عارضش شده را مجدداً ارزیابی نموده و رویه عملیاتی مناسب‌تری را به منظور مقابله با وضعیت بغرنج کنونی و افزایش رادیکالیسم بادیه‌نشینان در پیش بگیرد. در واقع عمده چالش اسرائیل در این مورد، حفظ امنیت در طول

مرز مشترک با مصر و جلوگیری از نفوذهای مرزی و حملات موشکی است که شهروندان را در جنوب اسرائیل هدف قرار می‌دهند. این مهم نیازمند تداوم تدابیر نظارتی بر مرزها و نیز تلاش برای بهبود بخشیدن به سازوکارهای استخباراتی به‌منظور رصد فعالیت عناصر افراط‌گرا در صحرای سینا می‌باشد.

در خلال حمله تروریستی آگوست ۲۰۱۱ نیروهای اسرائیلی با نیروهای مصری درگیر شدند و نهایتاً در جریان تعقیب مهاجمان مصری تا سینا پنج نفر از آنان را کشتند. این واقعه باعث طرح اتهامات جدیدی علیه اسرائیل مبنی بر حمله به سینا از طریق هواپیماهای بدون سرنشین گردید. این وضعیت به‌خوبی نشان‌دهنده معضلات جدیدی است که پیش روی سیاست‌گذاران اسرائیلی قرار گرفته است. (Michael & Deitch, 2011; Dorel, 2012) حملات مرزی مکرر حکومت اسرائیل را در وضعیت دشواری قرار داده است؛ چراکه از یک‌سو با افزایش حساسیت‌ها نسبت به عملیات نظامی اسرائیل در صحرا روبه‌روست و از سوی دیگر، مسئولیت محافظت از امنیت اسرائیل را بر عهده دارد. در نتیجه ضروری است که اسرائیل راهبرد توسل به زور را در دستور کار خود قرار دهد. در واقع یک راهبرد جدید که ماهیت تهدید حاضر را در نظر بگیرد، حکومت اسرائیل را قادر خواهد نمود که تحت شرایط مساعدتری به حملات تروریستی بعدی پاسخ دهد، بدون اینکه در وضعیت ناخواسته‌ای قرار بگیرد و با اتخاذ تصمیمی شتاب‌زده روابط خود و قاهره را دچار تنش سازد. حتی در صورتی که تبعات حمله بعدی که توسط گروه‌های مخالف اسرائیل از سینا انجام می‌شود، به رویارویی مصر و اسرائیل هم بینجامد، رهنامه توسل به زور به‌مثابه هشدار به شبه‌نظامیان سینا عمل خواهد کرد و به آنان خواهد فهماند که نمی‌توانند بیش از این سینا را مامن امن خود بدانند؛ زیرا اسرائیلی‌ها ابایی ندارند که در صورت لزوم، برای دفاع از شهروندان و سرزمین خود در مقابل فعالیت‌های تروریستی آینده مبادرت به اقدام نظامی نمایند.

نکته بسیار مهم دیگر همکاری عملی با ارتش مصر می‌باشد که در شرایط فعلی شدیداً ضروری است و برای هماهنگی توان عملیاتی طرفین باید بیش از پیش تقویت گردد. این همکاری باید به همه فرماندهان ارشد نیز گسترش یابد و بدین ترتیب اعتمادسازی، تبادل اطلاعات فوری و حساس و حتی عملیات هم‌دستانه ممکن شود. مساله ایران نیز باید در این

خصوص مد نظر قرار گیرد. ایران شبه‌جزیره سینا را هم محور دسترسی به حماس قلمداد می‌کند و هم پایگاهی امن برای هدف قرار دادن اسرائیل و تخریب روابط آن با مصر. نگارندگان پیشنهاد می‌کنند که همکاری با ایالات متحده و نیز نیروهای ذیربط در مصر برای جلوگیری از این فرآیند لحاظ شود، و نهایتاً اینکه، بهتر است نیروهای چندملیتی ناظر با وجود اینکه در حال حاضر اثرگذاری عملی بسیار اندکی دارند، در منطقه بمانند. این امر در راستای منافع اسرائیل است؛ زیرا حضور نیروهای بین‌المللی ناظر پیش و بیش از هر چیز متضمن حفظ پیمان صلح و جلوگیری از هرگونه تنش نامطلوب در روابط با مصر می‌باشد. همچنین ابتکار یک طرح عملیاتی روزآمد دوطرفه همراه با تشکیل ستاد مشترک، باعث می‌شود پاسخ هرچه قوی‌تری در طول مرز مصر و اسرائیل به تروریست‌ها داده شود. این پایگاه مرکزی نمایندگی‌های مختلفی از نهادهای نظامی گرفته تا نیروهای امنیتی و پلیس اسرائیل و البته عوامل گمرک را در بر خواهد گرفت.

همان‌طور که اشاره شد، حماس و دیگر سازمان‌های شبه‌نظامی فعال در غزه در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای شبه‌جزیره سینا را به‌مثابه یک پایگاه عملیاتی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ زیرا می‌دانستند که اسرائیل به‌واسطه مفاد معاهده صلح نمی‌تواند اقدام به پاسخ نظامی کند. از این‌رو ابتکار چنین پاسخی، منافع اسرائیل را در چند محور در پی می‌آورد، از یک‌سو نقطه پایانی بر حاشیه امن تروریسم در صحرای سیناست و در عین التزام به مفاد پیمان صلح، پیام روشنی برای حماس و دیگر شبه‌نظامیان غزه مبنی بر این واقعیت می‌باشد که دیگر نمی‌توانند از صحرای سینا به‌عنوان یک پایگاه عملیاتی امن برای حمله به اسرائیل استفاده کنند و از سوی دیگر، از خشم افکار عمومی مصر نیز جلوگیری خواهد شد.

مولفه‌های عملیاتی مصر در وضعیت حاضر

بخش عمده‌ای از نیروهای مصری که اخیراً در صحرای سینا مستقر شده‌اند، نه به واقع شرایط لازم را دارند و نه به اندازه کافی برای مقابله با تهدیدات موجود در سینا آموزش دیده‌اند. افزون بر این از سال ۲۰۱۱، حکومت مصر تلاش موثر بسنده‌ای برای حفظ حاکمیت خود نکرده و توسل به سلسله‌عملیات کوتاه‌مدت را ترجیح داده است؛ مانند عملیات عقاب در سال ۲۰۱۱ و

عملیات سینا در ۲۰۱۲ که موقتا باعث جلوگیری از فعالیت‌های شبه‌نظامی تروریست‌ها در سینا شد، اما هدف و رویه بلندمدتی دیده نمی‌شود. به‌منظور کمک به مصری‌ها در احیای اقتدار خود بر شبه‌جزیره، آن دسته از اعضای جامعه بین‌المللی که خواهان ارتقای سطح امنیت سینا هستند نیز باید به آموزش نیروهای نظامی مصری که در سینا مستقر شده‌اند بپردازند و از سوی دیگر، بکوشند توان بازدهی واقعی این قوا را افزایش دهند؛ مثلا از طریق فراهم کردن اطلاعات و آموزش عمیق‌تر نیروهای مصری. پیشنهاد دیگر با وجود اینکه بی‌شک اقدام به چنین امری به رویدادی جنجالی در مصر منجر خواهد شد، عبارت از تشکیل یک نیروی ائتلافی بین‌المللی مختلط از نیروهای مصری و آمریکایی با هدف ترتیب دادن سلسله‌عملیات موثر در صحرای سینا می‌باشد. چنین نیرویی از یک‌سو از اطلاعات و حمایت عملی آژانس‌ها و سازمان‌های ذیربط آمریکایی برخوردار خواهد بود و از سوی دیگر، در تقویت امنیت سینا قطعا از نیروی مستقل مصر کارآمدتر خواهد بود.

توسل به یک راهبرد معطوف به توسعه اقتصادی در سینا

سرمایه‌گذاری اقتصادی در سینا با هدف تقویت پروژه‌های توسعه محور و نیز ارتقای وضعیت اجتماعی - اقتصادی بادیه‌نشینان، بی‌شک تاثیر بسزایی در کاهش تهدیدات کنونی خواهد داشت. این وضعیت در حالی است که سرانجام حکومت مصر ناگزیر از اجرای یک برنامه جامع توسعه در شبه‌جزیره سینا می‌باشد. دستیابی به این مهم اما امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با مساعدت جامعه بین‌المللی؛ هم در زمینه کمک‌های اقتصادی مستقیم و هم در خصوص تشویق حکومت مرکزی به تلاش موثر در این راستا.

از سوی دیگر رویه جدیدی نیز باید برای جلوگیری از به‌هم‌ریختگی فزاینده سینا اتخاذ شود. بنابراین، ضروری است سیاست حاشیه‌ای‌سازی اقتصادی و تبعیض سیستماتیک دیرپا علیه ساکنان سینا کنار گذاشته شود. در طول دهه گذشته چه در دوره مبارک چه در حکومت یک‌ساله مرسی، تدابیر نظامی سرکوب‌گرانه و خشونت‌آمیز نه تنها نتوانسته به تهدیدات تروریستی در سینا پایان دهد، بلکه بر موج افراط‌گرایی در میان ساکنان بومی سینا افزوده و محیط

مساعدی را نیز برای سازمان‌های اسلام‌گرا ایجاد نموده است. مرسی در دوره یکساله تصدی‌اش، در مساله رویکرد نسبت به بادیه‌نشینان سینا، بین گفت‌وگو و دلجویی از بومی‌های آن ناحیه و استفاده از گزینه نظامی به‌طور دایم در حال نوسان بود و سرانجام نیز قول‌های او مبنی بر ارتقای سطوح زندگی ساکنان سینا؛ از جمله در خصوص تلاش برای هموار کردن راه جذب آنان در جامعه مصر و نیز به اجرا درآوردن پروژه‌های جدید برای توسعه شبه‌جزیره، جامه عمل پوشانیده نشد. به‌نظر می‌رسید دولت‌مردان قلبا مایل به پای‌بندی به تعهداتشان نسبت به سینا نبودند. هم‌چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، یکی از بهترین اقدامات ممکن رسیدگی به شکایات ساکنین سیناست که قطعا در بلندمدت به کاهش یافتن تهدیدات تروریستی در آنجا خواهد انجامید. از آنجا که قاهره در حال حاضر گرفتار مشکلات بزرگی نظیر تعیین افق‌های آینده مصر می‌باشد، جامعه جهانی نیز بیش از پیش، امکان آن را یافته است تا با چالش‌های پیش روی سینا مواجه شود. هم‌چنین کشورهایی که خواهان اعاده امنیت در سینا هستند، فعلا می‌توانند نقش فعالانه‌ای را در این زمینه ایفا کنند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده منافع زیادی در جلوگیری از رشد فزاینده تهدید تروریستی فعلی دارد، چه اینکه همواره نیروهای فراملی ناظر در مرز مصر و اسرائیل را از لحاظ مالی و نیز کارکنان حمایت کرده و هم‌چنین خود را متعهد به حفظ امنیت اسرائیل می‌داند. در دهه گذشته، ایالات متحده تمایل خود برای سرمایه‌گذاری برای توسعه صحرای سینا را ابراز نمود، اما حکومت مصر اغلب اجرای این طرح‌ها را رد می‌کرد (حتی برخی از این طرح‌ها هنوز هم در حالت تعلیق و بی‌پاسخ مانده‌اند). مشخصا یک پروژه سرمایه‌گذاری اولیه با ارزشی بالغ بر دو تا سه میلیارد دلار می‌تواند در زمینه‌های مختلفی در منطقه نظیر حق مالکیت زمین، تقسیمات منابع آب، مشاغل، آموزش و تقویت نهادهای شهری و برخی از دیگر زیرساخت‌های لازم، به‌عنوان گام اول مورد توجه قرار گیرد و بدین ترتیب ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان سینا در بلندمدت محقق شده و از این رو افراط‌گرایی فزاینده آنان از بین برود.

منابع و یادداشت‌ها:

1. Balanga, Yehuda(2012), "Sinai: A Territory without a Master," *Al Monitor*, <http://www.al-monitor.com/pulse/ar/contents/articles/security/01/06/trouble-from-the-south.html>.
2. Barnett, David(2013), "Rising Concerns Over Foreign Militants in the Sinai as More Explosives Seized," *The Long War Journal*, http://www.longwarjournal.org/threatmatrix/archives/2013/01/concern_that_militants_from_al.php.
3. Bechor, Guy(2012), "Inside the Black Box: The Sinai Bedouin Code," *Gplanet*, http://www.gplanet.co.il/logon.asp?pro_id=1682
4. Booth, William and Abigail Hauslohner (2013), "Egypt Shutting Economic Lifeline for Gaza Strip, in Move to Isolate Hamas," *The Washington Post*, http://articles.washingtonpost.com/2013-09-08/world/41880965_1_rafah-sari-bashi-tunnels.
5. Cohen, Gili(2012), "Sinai Peacekeeping Force Commander Warns of Weapons Smuggling to Gaza," *Haaretz*, <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/sinai-peacekeeping-force-commander-warns-of-weapons-smuggling-to-gaza-1.433567>.
6. "Egypt: Mass Arrests and Torture in Sinai," (2005), *Human Rights Watch*, vol. 17, no. 3, <http://www.hrw.org/reports/2005/02/21/egypt-massarrests-and-torture-sinai-0>.
7. "Egypt: Tourism Industry in Deep Decline," *Euronews*, <http://www.euronews.com/2013/08/26/egypt-tourism-industry-in-deep-decline/>
8. Farrell, Stephen and Isabel Kershner(2010), "Rockets Hits Resort on Border of Jordan and Israel," *The New York Times*, <http://www.nytimes.com/2010/08/03/world/middleeast/03israel.html>.
9. Issacharoff, Avi(2013) "No Summer Break in the Violent Middle East," *The Times of Israel*, <http://www.timesofisrael.com/no-summer-break-in-the-violent-middle-east/>
10. Kershner, Isabel(2008), "Suicide Attack Kills One in Israel," *The New York Times*, <http://www.nytimes.com/2008/02/05/world/worldspecial/05mideast.html?pagewanted=all>; Stephen Farrell and Isabel Kershner(2010), "Rockets Hits Resort on Border of Jordan and Israel," *The New York Times*, <http://www.nytimes.com/2010/08/03/world/middleeast/03israel.html>.
11. Kirkpatrick, David D.(2013), "Militants Kill Soldiers in Sinai, and Egypt's Military Broadens Its Crackdown," *The New York Times*, September 11, <http://www.nytimes.com/2013/09/12/world/middleeast/militants-kill-soldiers-in-sinai-and-egypts-military-broadens-its-crackdown.html>.
12. Lewis, Ori (2012), "Egypt's Sinai Turning into 'Wild West': Israeli PM," *Reuters*,

<http://www.reuters.com/article/2012/04/24/us-israel-egypt-sinai-idUSBRE83N0EP20120424>.

13. Limor, Yoav (2013), "Sinai Jihadis Want to Overthrow Egypt, Then They'll Come for Israel," *Israel Hayom*, http://www.israelhayom.com/site/newsletter_article.php?id=11815.

14. "Local, Foreign Islamic Militants Turn Egypt's Sinai into a New Front for Jihad," (2013), *The Washington Post*, http://www.washingtonpost.com/world/middle_east/local-foreign-islamic-militants-turn-egypts-sinai-a-new-front-for-jihad/2013/09/03/ea34cb96-14c1-11e3-b220-2c950c7f3263_story.html; Institute for Counter-terrorism, "The Military Coup in Egypt as a Catalyst for Increased Terrorist Activity in Egypt and the Sinai Peninsula," September 7, 2013, <http://www.ict.org.il/ResearchPublications/JihadiWebsitesMonitoring/JWMIInsights/tabid/320/Articlsid/1192/currentpage/1/Default.aspx>.

15. Londono, Ernesto (27 August 2013), "In Egypt's Sinai, Rising Militancy Threatens Peacekeeping Force," *The Washington Post*, http://articles.washingtonpost.com/2013-08-27/world/41492856_1_peacekeeping-force-egypt-and-israel-peace-treaty.

16. Michael, Maggie and Ian Deitch (2011), "Egypt to Withdraw Ambassador to Israel Over Ambush," *The Independent*, <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/egypt-to-withdraw-ambassador-to-israel-over-ambush-2341011.html>; Dorell, Oren (2012), "Sinai 'Drone Strike' Highlights Israel-Egypt Operations," *USA Today*, <http://www.usatoday.com/story/news/world/2013/08/13/did-israel-drone-strike-egypt/2643595/>

17. "Peace Treaty between Egypt and Israel," (26 March 1979), *Israel Ministry of Foreign Affairs*, <http://www.mfa.gov.il/mfa/foreignpolicy/peace/guide/pages/israel-egypt%20peace%20treaty.aspx> (24 September 2013)

18. Pelham, Nicolas (2012), "Sinai: The Buffer Erodes," *Chatham House*, <http://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Middle%20East/pr0912pelham.pdf>.

19. Ravid, Barak (2013), "Shin Bet Forms New Unit to Thwart Attacks on Israel by Sinai Jihadists," *Haaretz*, <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/.premium-1.542417>.

20. Riedel, Bruce (2011), "Al Qaeda's New Sinai Front," *The Daily Beast*, <http://www.thedailybeast.com/articles/2011/08/21/al-qaeda-s-newest-front-in-sinai-could-deepen-arab-israeli-conflict.html>.

21. Riedel, Bruce (2012), "Al-Qaeda Grows in Sinai," *The National Interest*, <http://nationalinterest.org/commentary/al-qaeda-growssinai-6486>.

22. Siboni, Gabi (ed.) (2012), *Israel-Egypt Relations in Light of Security-Related Incidents in the Sinai Peninsula: Political-Security Simulation, Military and Strategic Affairs Program*, Institute for National Security Studies, Tel Aviv University, <http://cdn.www.inss.org.il/reblazecdn.net/upload/%28FILE%291351077683.pdf>.
23. "Springtime in Sinai," *The Economist*, August 27, 2011, <http://www.economist.com/node/21526921>.
24. "Tamarod Movement Calls on Egyptian Government to Cancel Camp David Peace Treaty," *The Jerusalem Post*, <http://www.jpost.com/Middle-East/Tamarod-movement-calls-on-Egyptian-government-to-cancel-Camp-David-peace-treaty-stop-accepting-US-aid-323386>; "Peace Treaty with Israel Should be Amended, Says Morsy Advisor," *Egypt Independent*, September 13, 2012, <http://www.egyptindependent.com/news/peace-treaty-israel-should-be-amended-says-morsy-advisor>.
25. The Multinational Force and Observers in Sinai (1 August 2013), <http://mfo.org/sinai>; This part of the essay is based on analysis carried out by the Institute for National Security Studies in 2012 in the course of a simulation enacted to examine Israel-Egypt relations in light of security incidents in the Sinai Peninsula.
26. "Terrorism Experts: Al-Qaida Tightens Grip in Sinai Peninsula," (2011), *Haaretz*, <http://www.haaretz.com/news/middle-eastterrorism-experts-al-qaida-tightens-grip-in-sinai-peninsula-1.284697>.
27. Yaari, Ehud (2012), "Sinai: A New Front," *Policy Notes*, no. 9, The Washington Institute for Near East Policy, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/sinai-a-new-front>.
28. Zanutti, Jim (2010), *Hamas: Background and Issues for Congress*, Congressional Research Service, <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/R41514.pdf>.